

ناترازی انرژی و زمستان سرد تولید سیمان

ناترازی مزمن انرژی فشار شدیدی بر صنایع انرژی بر وارد کرده و وابستگی سیمان به برق و گاز، کاهش تولید و افزایش هزینه‌های تمام‌شده را تشدید کرده است

یادداشت
O P I N I O N



هومن عمیدی

کارشناس اقتصادی

دلایل عمده افزایش نرخ ارز

در شرایطی که نرخ ارز بار دیگر سقف تاریخی خود را پشت سر گذاشته، نمی‌توان این روند را یک شوک غیرمنتظره قلمداد کرد. افزایش قیمت دلار حاصل مجموعه‌ای از ناترازی‌های ساختاری اقتصاد، ادامه سیاست چندنرخ‌ی ارز و اشتباهات سیاست‌گذاری است. تجربه نشان داده وقتی یک سطح روانی مهم در بازار ارز شکسته می‌شود، دو سناریو محتمل است: یا عرضه مؤثر شکل می‌گیرد و قیمت بازمی‌گردد، یا سقف تاریخی به کف جدید تبدیل و روند افزایشی تثبیت می‌شود. این روند نشان می‌دهد که بازار ارز بدون اصلاحات بنیادین و برداشتن موانع ساختاری قادر به رسیدن به تعادل پایدار نخواهد بود.

نقش بانک مرکزی به‌عنوان نهاد ناظر و سیاست‌گذار پولی طی ماه‌های اخیر با انتقادهای جدی روبه‌رو شده است. این نهاد به جای تمرکز بر تثبیت ارزش پول ملی و کنترل تورم، وارد فعالیت‌هایی مانند خرید و فروش طلا و سکه شده است. تضاد منافع آشکار است؛ افزایش نرخ ارز به بانک مرکزی امکان کسب سود از فروش طلا و سکه می‌دهد، در حالی که وظیفه ذاتی آن مهار تورم و حمایت از پول ملی است. وقتی نهاد ناظر بازار با درآمدزایی شخصی همسو می‌شود، سازوکارهای کنترل بازار به تدریج کارایی خود را از دست می‌دهند و بحران‌های ارزی تشدید می‌شوند.

سیاست‌های ارزی تکلیفی، دیگر عامل تشدید بحران هستند. الزام صادرکنندگان به فروش ارز با نرخ‌هایی بسیار پایین‌تر از بازار آزاد، گاه تا ۷۰ درصد کمتر، به واردکنندگانی که بخش عمده‌ای از کالاهای وارداتی غیرضروری است، عمل‌آرنت گسترده ایجاد می‌کند. این شرایط نه تنها تعادل بازار ارز را برهم می‌زند، بلکه انگیزه سفته‌بازی و خروج سرمایه را تقویت می‌کند. همزمان، نرخ بهره در بازارهای مالی به سطوح نزدیک به ۴۵ درصد رسیده است و این سطح از بهره انتظارات سرمایه‌گذاران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. دارندگان دلار، حتی در محدوده‌های ۸۰ تا ۹۰ هزار تومان، انتظار رشد ۴۰ درصدی قیمت را طبیعی می‌دانند و همین امر فشار بر بازار ارز را افزایش می‌دهد.

برخی تحلیل‌ها افزایش نرخ ارز را ناشی از تلاش دولت برای جبران کسری بودجه می‌دانند، اما واقعیت پیچیده‌تر است. محدودیت‌های ناشی از تحریم، دسترسی دولت به دلار فیزیکی را محدود کرده و سیاست جایگزین، فروش ارز از طریق واردات و عرضه طلا برای رفع تعهدات ارزی صادرکنندگان است. هم‌زمانی این سیاست با افزایش قیمت جهانی طلا، جهش قیمت طلا و سکه را در بازار داخلی موجب شده است. عبور قیمت سکه از مرز ۱۳۰ میلیون تومان در مقایسه با میانگین حقوق سالانه یک کارمند، عمق ناترازی اقتصادی را روشن می‌سازد؛ جایی که دستمزد یک سال تنها معادل یک‌ونیم سکه تمام است. تجربه بازار نشان می‌دهد که تزریق مقطعی ارز بدون حذف رانت ارزی و نظام چندنرخ‌ی، اثر پایدار ندارد و تنها راه بازگشت به ثبات، حرکت به سمت تک‌نرخ‌ی شدن ارز و ایجاد بازار واقع‌بینانه و شفاف است.

رامین بیات

روزنامه نگار



نیروگاه‌ها به دلیل محدودیت‌های انرژی، در مقاطع مختلف با توقف یا کاهش فعالیت مواجه شده‌اند و بهره‌برداری پایدار از آن‌ها بدون تأمین سوخت امکان‌پذیر نیست.

یکی دیگر از راهکارهای کارآمد، تولید برق از محل بازیافت حرارتی کوره‌هاست. یک کارخانه سیمان با ظرفیت تولید یک میلیون تن در سال می‌تواند از این طریق نزدیک به پنج مگاوات برق تولید کند. با این حال، سرمایه‌گذاری اولیه سنگین و محدودیت‌های مالی مانع گسترده شدن استفاده از این فناوری در بسیاری از واحدها شده است. در کشورهای صنعتی مانند چین و هند، این فناوری سال‌هاست به کار گرفته شده و بازدهی قابل توجهی دارد.

راهکارهای پایدار و آینده تولید سیمان

به منظور کاهش مصرف انرژی و افزایش بهره‌وری، تولید سیمان آمیخته یا نوین در دستور کار قرار گرفته است. این نوع سیمان با انرژی کمتر تولید شده و دوام بالایی دارد و در پروژه‌های عظیم مانند سدسازی کاربرد دارد. بهره‌گیری از فناوری‌های نوین انرژی و توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر می‌تواند وابستگی به شبکه سراسری را کاهش داده و امکان تولید پایدار و پیش‌بینی‌پذیر را فراهم کند.

مدیریت هوشمند انرژی، برنامه‌ریزی دقیق تولید و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های حمل‌ونقل، از دیگر راهکارهای کلیدی برای کاهش هزینه تمام‌شده و افزایش مزیت رقابتی صنعت سیمان محسوب می‌شود. ترکیب این راهکارها با توسعه صادرات و بازاریابی بین‌المللی می‌تواند صنعت سیمان ایران را در مسیر ثبات و رشد قرار دهد و از اثرات ناترازی انرژی بکاهد. چالش اصلی صنعت سیمان ایران نه‌تنها محدودیت تولید، بلکه مدیریت پیچیدگی‌های مالی و عملیاتی ناشی از بحران انرژی است. تنها با اتخاذ سیاست‌های پایدار، استفاده از فناوری‌های نوین و برنامه‌ریزی بلندمدت، می‌توان از افت تولید جلوگیری کرده و جایگاه این صنعت حیاتی را در بازار داخلی و بین‌المللی حفظ کرد. روند آینده نیازمند همکاری میان تولیدکنندگان، دولت و نهادهای سرمایه‌گذار است تا مسیر توسعه صنعت سیمان با کمترین آسیب و بیشترین بهره‌وری طی شود.

افزون بر این، ارتقای فناوری‌های نوین، سرمایه‌گذاری در نیروگاه‌های حرارتی و توسعه منابع انرژی تجدیدپذیر، ضمن کاهش فشار بر شبکه سراسری، امکان ایجاد ظرفیت تولیدی جدید و افزایش صادرات را فراهم می‌آورد. بهره‌گیری از سیستم‌های پیشرفته مدیریت انرژی، افزایش بهره‌وری ماشین‌آلات و کاهش استهلاک تجهیزات، می‌تواند صنعت سیمان را به سطحی از پایداری برساند که در مواجهه با بحران‌های انرژی، آسیب کمتری متحمل شود. در نهایت، صنعت سیمان ایران با ترکیب مدیریت هوشمند منابع، فناوری‌های نوین و استراتژی‌های بلندمدت، می‌تواند از بحران ناترازی انرژی عبور کرده و جایگاه خود را در بازارهای داخلی و بین‌المللی تثبیت کند. تحقق این هدف مستلزم همکاری دولت، تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران است تا هم تولید داخلی حفظ شود و هم مزیت رقابتی صادراتی ایران ارتقا یابد.

پیچیدگی‌های صنعت سیمان در شرایط بحرانی صنعت سیمان، به دلیل وابستگی مستقیم به برق و گاز، بیشترین آسیب را از ناترازی انرژی متحمل شده است. هرگونه اختلال در تأمین انرژی، به سرعت کاهش تولید و بی‌ثباتی بازار را به همراه دارد و اگر این روند ادامه یابد، ظرفیت صادراتی کشور نیز به تدریج تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. افت تولید سیمان در کنار افزایش هزینه‌های تولید، مزیت رقابتی ایران در بازارهای صادراتی منطقه را کاهش می‌دهد و فرصت را برای رقبای منطقه‌ای فراهم می‌کند تا سهم بیشتری از بازار به دست آورند. حفظ صادرات مستلزم تولید پایدار و پیش‌بینی‌پذیر است، موضوعی که بدون حل ریشه‌ای بحران انرژی امکان‌پذیر نخواهد بود.

افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل نیز به یکی دیگر از عوامل فشار بر صنعت تبدیل شده است. رشد نرخ سوخت، افزایش کرایه‌های حمل و نقل و چالش‌های لجستیکی، به ویژه برای کارخانه‌هایی که از مراکز مصرف یا مبادی صادراتی فاصله دارند، سهم هزینه حمل در بهای تمام‌شده سیمان را افزایش داده و حاشیه سود تولیدکنندگان را کاهش داده است. در بسیاری از بازارهای صادراتی، حتی اختلاف اندک قیمت می‌تواند تعیین‌کننده حفظ یا از دست رفتن بازار باشد.

در راستای کاهش وابستگی به شبکه برق و عبور از چالش ناترازی انرژی، صنعت سیمان به سمت استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر، به ویژه انرژی خورشیدی، گام برداشته است. بر اساس الزامات قانونی، واحدهای صنعتی موظفند ظرف پنج سال، پنج درصد از مصرف برق خود را از محل انرژی خورشیدی تأمین کنند. هم‌زمان، توسعه نیروگاه‌های حرارتی نیز در دستور کار قرار دارد، اما مشکل اصلی تأمین پایدار سوخت، به ویژه گاز، است. بسیاری از این

تولید را با اختلال‌های جدی مواجه کرده و امکان برنامه‌ریزی بلندمدت را کاهش داده است. به گفته دبیر انجمن صنفی کارفرمایان صنعت سیمان، تولید این محصول در شش ماهه نخست سال ۱۴۰۴ به حدود ۳۱.۷ میلیون تن رسید که نسبت به مدت مشابه سال گذشته، افتی نزدیک به ۱۰ درصد را نشان می‌دهد. این کاهش تنها محدود به سیمان نبوده و در بخش کلینکر نیز نوسانات قابل توجهی مشاهده شده است. هرچند در ماه‌های تیر و مرداد تولید کلینکر افزایش یافت، اما در شهریورماه دوباره کاهش تولید ثبت شد.

سید محمد اتابک، وزیر صنعت، معدن و تجارت، بر این باور است که فشارهای طولانی‌مدت، از کمبود انرژی تا ضعف در استراتژی‌های توسعه صنعتی، موجب شده تا بسیاری از واحدهای تولیدی نتوانند با ظرفیت اسمی و برنامه‌ریزی شده خود فعالیت کنند. توقف‌ها و کاهش شیفت‌ها نه تنها بر میزان تولید اثر مستقیم گذاشته، بلکه هزینه‌های ثابت و استهلاک ماشین‌آلات را افزایش داده است. این شرایط موجب کاهش بهره‌وری و افزایش نسبت مصرف انرژی به تولید شده و هزینه تمام‌شده محصولات را بالا برده است. تولیدکنندگان اکنون با چالشی مضاعف مواجه‌اند: کاهش تولید هم‌زمان با افزایش هزینه‌ها و فشار بر بازارهای داخلی و صادراتی.

در کنار محدودیت انرژی، رکود تقاضای داخلی نیز بخشی از افت تولید را توضیح می‌دهد، اما سهم عمده بر عهده محدودیت‌های تأمین انرژی است. کارخانه‌ها برای مدیریت شرایط، ناچار به کاهش شیفت‌ها، توقف‌های مقطعی یا تغییر الگوی تولید شده‌اند که این امر برنامه‌ریزی بلندمدت و پیش‌بینی میزان تولید را با اختلال مواجه ساخته است.

صنعت سیمان ایران در سال‌های اخیر با بحرانی جدی در زمینه تأمین انرژی مواجه شده که هم تولید داخلی را کاهش داده و هم توان صادراتی کشور را تهدید می‌کند. محدودیت‌های گاز در زمستان و سهمیه‌بندی یا قطعی برق در تابستان، فرایند تولید را مختل کرده و هزینه تمام‌شده این محصول استراتژیک را به شکل چشمگیری افزایش داده است. در شش ماهه نخست سال ۱۴۰۴، تولید سیمان نزدیک به ۱۰ درصد کاهش یافته و بسیاری از کارخانه‌ها ناچار به کاهش شیفت‌ها و توقف‌های مقطعی خطوط تولید شده‌اند. این وضعیت برنامه‌ریزی بلندمدت تولیدکنندگان را مختل کرده و پیش‌بینی میزان تولید و تعهدات صادراتی را دشوار ساخته است. علاوه بر فشار بر تولید، توقف‌های ناخواسته خطوط تولید هزینه‌های سربار را افزایش داده و استهلاک تجهیزات و کاهش عمر مفید ماشین‌آلات را در پی داشته است. در این فضای پیچیده، نیاز به راهکارهای پایدار برای تأمین انرژی، کاهش وابستگی به شبکه سراسری و ارتقای بهره‌وری تولید بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. صنعت سیمان، به‌عنوان یکی از صنایع پرانرژی کشور، اکنون در موقعیتی قرار دارد که هم‌زمان با مدیریت بحران انرژی، باید برای حفظ جایگاه رقابتی داخلی و خارجی خود برنامه‌ریزی دقیق کند.

ناترازی انرژی: فشار سنگین بر تولید

ناترازی مزمن انرژی در سال‌های اخیر به یکی از جدی‌ترین چالش‌های پیش‌روی بخش صنعت تبدیل شده و صنایع انرژی بر از جمله سیمان بیش از دیگر بخش‌ها تحت تأثیر قرار گرفته‌اند. محدودیت گاز در زمستان و سهمیه‌بندی برق در تابستان،

سقوط حاشیه سود صنعت فولاد به ۶ درصد

حاشیه سود شرکت‌های بزرگ فولادی از ۳۳ درصد در سال ۱۳۹۹ به ۶ درصد کاهش یافته و فشار هزینه‌های انرژی توان رقابتی و پایداری تولید این صنعت را تهدید می‌کند

فشار بی‌رویه افزایش هزینه انرژی

طی پنج سال گذشته نرخ برق صنعت فولاد ۲۳ برابر و نرخ گاز ۱۳ برابر شده است. وحید یعقوبی، معاون اجرایی انجمن تولیدکنندگان فولاد، با تأکید بر شدت فشار انرژی می‌گوید: «این رشد بی‌رویه هزینه‌ها حاشیه سود شرکت‌های بزرگ بورسی فولاد را از ۳۳ درصد به ۶ درصد کاهش داده است. هیچ صنعتی با چنین حاشیه سودی نمی‌تواند به‌صورت پایدار فعالیت کند یا طرح‌های توسعه‌ای را پیش ببرد». مقایسه نرخ گاز ایران با بازارهای جهانی نیز هشداردهنده است. در کشورهای منطقه مانند عمان، عربستان و قطر هر واحد گاز حدود ۶ سنت قیمت دارد، در حالی که در ایران نرخ آن به ۱۷ سنت می‌رسد. این تفاوت فاحش باعث افزایش هزینه تولید و کاهش توان رقابت‌پذیری صنعت فولاد شده است.

پیامدهای اقتصادی افت سود آوری

کاهش حاشیه سود، پیامدهای اقتصادی گسترده‌ای ایجاد می‌کند. توقف تولید در صنعت فولاد، زنجیره‌های پایین‌دستی، صنایع ساخت

صنعت فولاد ایران در معرض بحرانی بی‌سابقه قرار گرفته است. حاشیه سود شرکت‌های بزرگ فولادی از ۲۳ درصد در سال ۱۳۹۹ به ۶ درصد در نیمه نخست امسال کاهش یافت. کارشناسان این افت شدید را ناشی از ناترازی انرژی و افزایش بی‌رویه نرخ حامل‌های انرژی می‌دانند. فشار ناشی از هزینه‌های بالای برق و گاز نه‌تنها توان رقابتی کارخانه‌ها را کاهش داده، بلکه ظرفیت توسعه و پایداری تولید را نیز تهدید کرده است.

افزایش افسارگسیخته هزینه‌های انرژی، سرمایه‌گذاری در طرح‌های توسعه‌ای را دشوار ساخته و ریسک توقف تولید، زنجیره‌های پایین‌دستی و حتی صادرات کشور را به شدت افزایش داده است. تا زمانی که اصلاحات ساختاری در تأمین انرژی و مدیریت منابع انجام نشود، صنعت فولاد با مخاطرات جدی و کاهش توان رقابت در بازار داخلی و بین‌المللی مواجه خواهد بود. کارشناسان هشدار می‌دهند ادامه این روند، چشم‌انداز سرمایه‌گذاری و اشتغال‌آفرینی در این بخش استراتژیک را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد.

و ساز و حتی صادرات کشور را تحت فشار قرار می‌دهد. کارشناسان معتقدند تا زمانی که هزینه‌های انرژی و ناترازی تأمین ادامه یابد، توان رقابت ایران در بازار جهانی فولاد محدود خواهد شد. شرکت‌های زیان‌ده با سرمایه محدود قادر به بازسازی یا توسعه واحدهای تولیدی خود نخواهند بود و این موضوع ریسک سرمایه‌گذاری و اشتغال را افزایش می‌دهد.

ضرورت مدیریت انرژی

کارشناسان و مدیران صنعت فولاد بر لزوم اصلاحات ساختاری تأکید دارند. تأمین پایدار گاز و برق با قیمت منطقی، کاهش نوسانات نرخ حامل‌های انرژی و ایجاد مشوق‌های سرمایه‌گذاری، اقداماتی حیاتی برای بهبود وضعیت صنعت فولاد هستند. یعقوبی هشدار می‌دهد که توقف تولید اثرات گسترده‌ای بر اقتصاد دارد و لازم‌است حداقل در بودجه سال آینده این موضوع مدنظر قرار گیرد. بدون چنین تدابیری، صنعت فولاد ایران با خطر کاهش توان رقابت در بازار داخلی و جهانی و تهدید مداوم تولید روبه‌رو خواهد شد.